ادامه از صفحه اول

رستگاری به وقت اسراف

سومین اسراف بین اسراف در آب و آلوده‌کردن منابع ملی و تخلیه آبخوان‌های کشور است که به نشست زمین و تخریب و آینده فاجعه‌آمیز کشور می‌انجامد. اگر گاز و برق حاصل از آن با اسراف از بین می‌رود، به‌هرحال رفاهی در جامعه ایجاد می‌کند و تبعاتی جز آلودگی هوا (که البته مهم است) ندارد، اما اسراف در آب و مدیریت‌نکردن در مصرف آب به نابودی تمدن و کشور می‌انجامد. سال‌های درازی است که مدیریت جامعه چشم خود را بر اسراف از جمله اسراف آب بسته است، درحالی‌که می‌بینیم مدیران رژیم صهیونیستی چه اندازه به آب اهمیت می‌دهند. اگر ما کم‌آبی داریم آنها اصلا آب ندارند ولی سرزمین خشک را به سرزمین صادرکننده کشاورزی تبدیل کرده‌اند. آنچه ما در۴۰ سال گذشته انجام داده‌ایم، چنین است.

۱- مصرف آب کشاورزی بدون حساب‌وکتاب و عدم تغییر علمی در کشاورزی ۲- تخصیص آب مناطق کشاورزی به شهری (پنج رودخانه را به تهران اختصاص داده‌ایم) و اجازه مصرف بی‌رویه شهری به شهروندان با تعیین قیمت بسیار نازل و عدم هرگونه کنترل و نظارت ۳- احداث صنایع آب‌بر در نقاط کم‌آب ۴- اجازه حفر چاه عمیق و چشم‌پوشی از حفر چاه‌های بی‌مجوز و چشم‌پوشی از استخراج بی‌رویه آب از چاه‌ها ۵- ریختن همه نوع فاضلاب در رودخانه‌ها

۶- عدم احداث سیستم جمع‌آوری فاضلاب و تصفیه آنها

۷- احداث اشتباه برخی سدها مانند سد گتوند که منجر به شوری آب و خشک‌شدن یک‌میلیون اصله نخل شده است.

۸- تخصیص آب نقاط آباد مثل میناب به بندرعباس که باعث خشک‌شدن میلیون‌ها اصله نخل در میناب شده است.

اگر به این اقدامات جهل اطلاق نکنیم، چه باید بگوییم. این یعنی مدیریت جهل، مدیریت بی‌تفاوتی، مدیریت آینده ناامن. چهارمین اسراف در محصولات کشاورزی و کلا پسماندهاست. طبق آمار منتشره حدود ۳۵ درصد محصولات کشاورزی نابود می‌شود و کلا برای آن فکری نشده است. به این اضافه شود ریختن زباله‌ها در فضای آزاد یا دفن پسماندهای شهری و روستایی که به دو مسئله منجر می‌شود.

۱- پسماندهایی که به آن طلای کثیف اطلاق می‌شود از بین می‌رود و ثروتی را از بین می‌بریم. توجه شود چین از آمریکا پسماند وارد می‌کند!

۲- دفن یا ریختن در هوای آزاد موجب آلودگی زمین و محیط می‌شود. به‌خصوص در شهرهای مرطوب شمال شیرابه‌های آلوده پسماندها، آب رودخانه‌ها را آلوده می‌کند و موجب بیماری‌های مختلفی می‌شود. نه اینکه هیچ‌کس از ابتدای انقلاب به فکر این امر نبوده است بلکه از همان زمان برخی اندیشه لازم را داشته‌اند اما مجموعه افکار در جهت صحیح عمل نکرده است. برای مثال در صفحه ۸۷ کتاب عملکرد سه‌ساله وزارت صنایع که در سال ۶۳ انتشار یافت و موجود است احداث پنج واحد تبدیل زباله به کود آلی در شهرهای شیراز، اصفهان، تبریز، مشهد و رشت در دست اجرا ذکر شده است؛ به این اضافه شود تفاهمی که با یک شرکت اتریشی برای ساخت داخل صد واحد تبدیل زباله شده بود. اما این حرکت در سال‌های بعد به هر دلیلی ابتر ماند و اینک تنها تعداد معدودی واحد تبدیل زباله اجرا شده است. اسراف فقط به این چند مورد ختم نمی‌شود. اسراف در مصرف ارز که خون اقتصاد یک ملت است (به نفع قاچاقچیان و خارج‌کنندگان سرمایه از کشور)، اسراف در ساختن برج‌های با آپارتمان‌های تا هزارمتری به‌جای نوسازی بافت‌های فرسوده و آماده فروریختن، اسراف در پذیرایی‌ها و حکایت اسراف‌های بسیار دیگر در زندگی و مدیریت روزمره و از جمله اسراف در مصرف بنزین و گازوئیل با خودروهای پرمصرف اما در آنچه از اسراف جلوگیری می‌کرده است مثل احداث راه‌آهن به‌جای کامیون کاملا خساست به‌خرج داده‌ایم. ظاهرا قرآن به جوامع دیگری تعلق دارد و مدیران و مردم جامعه‌مان برای رستگاری اسراف را انتخاب کرده‌اند و بی‌توجهی مدیران جامعه در برابر همه تذکرات مصداق نرود میخ آهنین بر سنگ است و راه رستگاری از اسراف نمی‌گذرد. آنچه دیروز در خوزستان مطرح شد و آنچه امروز در اصفهان مطرح است و در روزهای آینده در همه نقاط کشور خواهد بود، نتیجه همین اسراف است. آیا گوش شنوایی وجود دارد؟ اینک چاره در جبران است. تنها راه رستگاری کشورمان و جلوگیری از تخریب ملی و سرزمینی آن است که از اسراف در مصرف منابع طبیعی خودداری کنیم. قبول کنیم که می‌توانیم از یک سو با وضع مقررات لازم و اصرار بر اجرای آن همه را به صرفه‌جویی و نه با معیارهای شبه‌لیبرالیستی و راحت‌طلبانه بلکه با معیارهای «مصرف هرچه کمتر» دعوت کنیم و از سوی دیگر بر مبنای «اطلبو العلم ولو باسین» از عالمان و متفکران و فناوران کشورمان و نیز دنیا بخواهیم تا چاره مشکلات را بیابند و عمل کنند. توجه شود که اینک کشورمان نیازمند صرفه‌جویی در قطره قطره آب، نفت و سایر منابع طبیعی کشور است. حیف است کشوری آباد که می‌تواند مرکز انرژی منطقه و دارای جایگاه اصیل علم و فرهنگ فناوری باشد، به نابودی سوق یابد. به یاد داشته باشیم که دشمنان بیرون از مرزها بسیار محیل و گوش‌به‌زنگ هستند، از داخل با تخریب سرزمینی به آنها کمک نکنیم. امروز گفتمان رئیس‌جمهور، مجلس و سایر مدیران کشور باید «حفظ ایران» باشد و در این امر با تمام وجود حرکت کنند. مردم حاضر هستند.

به بهانه انتصاب زاکانی و قالیباف در هیئت امنای دانشگاه تهران

دانشگاه در دست سیاسیون

عکس: مصطفی رودکی، میزان

سهیلا صادقی‌فسایی، دکترای جامعه‌شناسی و دانشیار دانشگاه تهران، سال ۹۸ در دیدار اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها با مقام معظم رهبری گفته بود: «متأسفانه تقدم نظم سیاسی بر نظم اجتماعی و نظم علمی، دانشگاه تهران را به جولانگاه نزاع‌های سیاسی تبدیل کرده و روح تعامل و همدلی را تضعیف کرده است. امروز بیش از هر زمان دیگر، عزل‌ونصب مدیران دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها بیشتر از آنکه تابع شایستگی‌های علمی، اخلاقی و تجربه باشد، تابع باندبازی‌های سیاسی است. اگر وضعیت به همین منوال پیش رود، بیم آن می‌رود که باندبازی‌های سیاسی و حزبی بر شایسته‌سالاری علمی و اخلاقی مستولی شود و دانشگاه به باتلاق نزاع‌های سیاسی تبدیل شود، یقینا این‌گونه تغییرات شتاب‌زده، چیزی جز خسارت برای دانشگاه به ارمغان نخواهد آورد و شأن علم و پیشرفت‌های علمی دانشگاه را به‌شدت تحت تأثیر قرار خواهد داد». او گفته بود: «متأسفانه زدوبندهای سیاسی حاکم بر دانشگاه‌ها و وزارت علوم، حتی اجازه بازخواست و پرسش اصولی از مسئولان را نمی‌دهد». خبر انتصاب قالیباف و زاکانی به هیئت امنای دانشگاه تهران مصداق سخنانی است که این استاد دانشگاه تهران دو سال پیش هم بر زبان آورده بود. انتصاب شهردار تهران و رئیس مجلس به هیئت امنای دانشگاه تهران باعث شده نام چهره‌هایی فرهنگی که در گذشته‌های دور عضو هیئت امنای این دانشگاه بودند، در فضای مجازی به میان آید و مقایسه‌ای ناخودآگاه آنها صورت گیرد و پرسش‌هایی از این دست صورت گیرد که اینکه این دو نفر واجد کدام ویژگی خاص علمی بوده‌اند که باید جایگزین دیگران شوند. انتصاب چهره‌های سیاسی که یکی از آنها به‌ویژه در ماه‌های اخیر هم انتصابش در شهرداری محل اما واگر بسیار بود و هم انتصاباتی که خودش در شهرداری انجام داده در معرض انتقادهای فراوان. بی‌توجهی به همه این حواشی، شائبه دخالت نگاه سیاسی در دانشگاه را با انتصاب قالیباف و زاکانی بیش از پیش تقویت می‌کند. نباید فراموش کرد که نهاد دانشگاه همواره مورد توجه اصولگرایان بوده است و هربار که بر سر کار آمده‌اند، تسخیر آن به اشکال مختلف یکی از اهدافشان بوده است. اصولگرایان هرزمان که روی کار آمده‌اند نگاه سیاسی خود را بر انتصاب‌ها و تغییرات دانشگاه‌ها اعمال کرده‌اند. انتصاب رؤسایی با نگاه‌های خاص سیاسی، اخراج استادان، ستاره‌دارکردن دانشجویان و زیروزبرکردن ساختار دانشگاه آزاد با آمدن محمود احمدی‌نژاد بخشی از خاطرات پررنگ سال‌های گذشته است. دعوای جنجالی بر سر تغییر ریاست و هیئت امنای دانشگاه آزاد در آن سال‌ها ابعاد حقوقی و سیاسی دامنه‌داری به خود گرفت. رفتار وزرای علوم و رؤسای دانشگاه‌ها حتی در زمانی که اصولگرایان بر سر کار نبوده‌اند هم زیر ذره‌بین بوده و فشارهایی که بر وزرای علوم و برخی دانشگاه‌های مطرح وارد می‌شد تا استعفا و برکناری هم پیش می‌رفت. نکته جالب اینکه علیرضا زاکانی، عضو جدید هیئت امنای دانشگاه تهران، خودش یکی از حامیان و موافقان استیضاح رضا فرجی‌دانا، وزیر علوم روحانی بود که در روز چهارشنبه ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ برگزار و فرجی‌دانا از وزارت علوم برکنار شد. فرجی‌دانا پیش‌تر در ۱۹ خرداد ۱۳۹۳، محمود نیلی‌احمدآبادی را به‌عنوان سرپرست دانشگاه تهران منصوب کرده بود اما پس از معرفی نیلی، غلامعلی حدادعادل، رئیس فراکسیون اصولگرایان مجلس شورای اسلامی، اعلام کرد که انتخاب سرپرست دانشگاه تهران منجر به تیره‌شدن روابط مجلس و وزارت علوم می‌شود!

نیلی‌احمدآبادی تا آخر کار روحانی رئیس دانشگاه تهران ماند اما به‌دنبال انتشار یک نامه برکنار شد. نیلی‌احمدآبادی یک روز بعد از نگارش نامه‌ای برای آزادی یکی از دانشجویان این دانشگاه به قوه قضائیه برکنار شد و محمد مقیمی به‌عنوان سرپرست این دانشگاه انتخاب شد. نیلی‌احمدآبادی در مراسم تودیعش جمله‌ای گفت که همه اتفاقات رفته بر دانشگاه و خودش را توضیح می‌داد: « نگاه وزرای علوم و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید به دانشگاه تغییر کند؛ دانشگاه تهدید نیست اگر در تصمیم‌گیری‌ها دانشگاه را محدود کنید نمی‌تواند به‌خوبی کار کند». اما مقیمی که به‌جای او نشست در دولت دوم محمد احمدی‌نژاد معاون اداری و مالی دانشگاه تهران و از چهره‌های حامی رئیسی بود. این درحالی بود که اصولگرایان معتقد بودند این دولت روحانی بوده که بعد از روی‌کارآمدنش دست به تغییر گسترده رؤسای دانشگاه‌ها زده است. عبدالله گنجی از روزنامه جوان قبل از برکناری نیلی‌احمدآبادی نوشته بود: «دولت روحانی دهه آخر مرداد ۱۳۹۲ مستقر شد و دهم شهریور-یعنی کمتر از ۲۰ روز درحالی‌که وزارت علوم وزیر هم نداشت- رئیس دانشگاه علامه طباطبایی را تغییر داد؛ اما اکنون از این خبرها نیست و هیچ رئیس دانشگاهی تغییر نکرده است و شاید به‌زودی تغییر نکند، چون اعتدال رفته تندروها!! آمده‌اند». نکته عجیب اینکه بسیج استادان دانشگاه تهران که همین چندماه پیش با نوشتن نامه‌ای مدعی شد دولت پیشین در دانشگاه تهرانی عملکرد سیاسی و غیرعلمی داشته، هیچ واکنشی به انتصاب سیاسی این دو نفر در هیئت امنا دانشگاه تهران نکرده است. در نامه پیشین آنها آمده بود: «عملکرد غیرعلمی، سیاسی و باندیِ هشت‌ساله مدیریت دانشگاه تهران در دو دولت گذشته؛ نمونه بارز عدم مسئولیت دینی، ملی و حرفه‌ای است که شواهد و ادلّه بسیاری بر آن دلالت واضح دارد. بدبختانه قربانیان اصلی این عملکرد جناحی و ضعیف، ناامیدی دانشجویان نخبه در نماد آموزش عالی، دانشگاه تهران، بوده و هست که از دو جهت علمی و اعتقادی متضرر شده‌اند و جبران این میراث باندی مشکل خواهد بود».

در ماجرای دعوای دولت احمدی‌نژاد و دانشگاه آزاد هم رئیس اسبق دولت اصرار داشت که فرهاد رهبر رئیس دانشگاه آزاد شود، اما هیئت امنای این دانشگاه مخالف بود. درنهایت احمدی‌نژاد متوصل به شورای عالی انقلاب فرهنگی شد و این نهاد هم رأی به نفع احمدی‌نژاد داد اما طبق مقررات، تا رئیس هیئت‌امنای دانشگاه آزاد اسلامی حکم آقای دانشجو را امضا نکند، ریاست او بر این دانشگاه رسمیت نمی‌یابد، در نهایت احمدی‌نژاد چاره را در تلاش برای تغییر ترکیب هیئت امنا دید! از این منظر ترکیب هیئت امنای دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های اصلی برای اصولگرایان همواره مهم بوده است.

نگاهی به اعضای هیئت امنای دانشگاه تهران حاکی از تکمیل حضور یکدست اصولگرایان بر این دانشگاه است. محمدعلی زلفی‌گل، سیدمحمد مقیمی، دکتر مسعود میرکاظمی، محمد سلیمانی، فرهاد رهبر، محمدباقر قالیباف، محمدحسن صادقی‌مقدم، دکتر سیدجواد ساداتی‌نژاد، عباس مصلی‌نژاد، محمدمهدی اسماعیلی و علیرضا زاکانی. قانون تشکیل هیئت امنای دانشگاه تهران در سال ۱۳۴۶ به تصویب مجلسین رسید و به دولت اجازه داده شد در صورت اقتضا، مقررات این قانون را در سایر دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها و مؤسسات تعلیماتی عالی و تحقیقاتی کشور اجرا کند. درهمین‌سال، اولین جلسه هیئت امنای دانشگاه مشهد نیز در تاریخ ۱۳۴۶/۱۱/۱۵ تشکیل شد و قانون تشکیل هیئت‌های امنای مؤسسات عالی علمی- دولتی در سال ۱۳۵۰ به تصویب مجلسین وقت رسید. براساس این قانون، همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، به‌منظور ایجاد هماهنگی و یکپارچگی بیشتر، موظف شدند هیئت امنای مستقلی تشکیل دهند. سرانجام در سال ۱۳۵۳، پس از تصویب «قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون هیئت‌های امنای مؤسسات علمی- دولتی» در مجلسین وقت، وزارت علوم و آموزش عالی مکلف شد که برای هریک از دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی دولتی، هیئت امنایی با ترکیب و وظایف یکسان و طبق مقررات مربوطه تشکیل دهد. پس از پیروزی انقلاب و به استناد لایحه قانونی انحلال هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی اعم از دولتی و غیردولتی و خصوصی مصوب ۱۳۵۷/۱۲/۱۳، وظایف و اختیارات هیئت‌های امنای همه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی منحل و وظایف و اختیارات هیئت‌های امنا به هیئت سه‌نفره جانشین هیئت‌های امنا متشکل از وزیر فرهنگ و آموزش عالی، وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه‌وبودجه و وزیر طرح‌های انقلاب، واگذار شد. همچنین براساس مفاد قانون تشکیل هیئت‌های امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی که در جلسات ۱۸۱ و ۱۸۳ مورخ ۱۳۶۷/۱۲/۰۹ و ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی به تصویب رسید، هریک از وزارتخانه‌های «علوم، تحقیقات و فناوری» و «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» مکلف شدند برای دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به خود هیئت امنایی با ترکیب مندرج در قانون یادشده تشکیل دهند. تا سال ۹۴، با مصوبه سال ۷۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی، انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها با تصمیم صحن شورا و پس از معرفی گزینه‌ها از سوی وزیر علوم و البته بررسی صلاحیت چهره‌های معرفی‌شده توسط هیئت نظارت و بازرسی آن‌هم به‌طور محرمانه صورت می‌گرفت ولی در دولت روحانی، این مهم به هیئتی متشکل از «رئیس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها»، «وزیر علوم، تحقیقات و فناوری»، «وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی»، «دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی» و «رئیس هیئت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی» واگذار شد.

دریافت‌های نامتعارف صدای رئیس جمهور را درآورد

«باید» رئیسی برای ختم حقوق‌های نجومی

شرق: افشای دریافت حقوق نامتعارف دو نفر از مدیران شرکت زیرمجموعه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، رئیسی را بر آن داشت تا با گفتن یک «باید» دیگر، از کابینه خود بخواهد ماجرای حقوق‌های نجومی را خاتمه دهند. بحث‌های درباره ماجرای حقوق‌های نجومی به سال ۹۵ برمی‌گردد که بازتاب زیادی در جامعه داشت و دولت حسن روحانی متهم شد که برخی مدیران آن دریافتی‌های نامتعارفی داشته‌اند که باعث شد تعدادی از آنها استعفا دهند. هرچند در همان زمان اعلام شد که دولت محمود احمدی‌نژاد چنین حقوق‌هایی را مصوب کرده و به امضای معاون اول او رسیده است اما روحانی به اسحاق جهانگیری، معاون‌اول خود دستور داد حتی اگر این ماجرا مربوط به دوره‌های قبل باشد، باید این موضوع پیگیری شود زیرا مصداق سوءاستفاده از اعتماد دولت به‌شمار می‌رود. بهمن همان سال رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس دهم اعلام کرد دیوان محاسبات همه اضافه دریافت نجومی مدیران را به خزانه بازگردانده است. بااین‌حال، به‌تازگی نیز خبر رسید که سه نفر از مدیران پتروشیمی امیرکبیر که از مجموعه‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی محسوب می‌شوند ماهانه تا صد میلیون تومان از این شرکت دریافتی داشته‌اند و البته معاون این وزارتخانه اعلام کرد که آنها را برکنار کرده است.

همین شد تا روز گذشته رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت به بحث حقوق‌های نجومی اعتراض و عنوان کند: «حقوق یک حدی دارد که حد آن باید برای تمام افراد شاغل در دولت و شرکت‌های دولتی مشخص شود و بیش از آن میزان هم نباید پرداخت شود. مردم انتظار شنیدن اخباری درباره حقوق‌های چنده میلیونی را ندارند و به حقوق نجومی باید خاتمه داده شود».

ابراهیم رئیسی از سازمان اداری و استخدامی کشور خواسته هرچه سریع‌تر و قبل از نهایی‌شدن بودجه ۱۴۰۱ نسبت به تدوین نظام پرداخت عادلانه حقوق و دستمزد اقدام کند. این درحالی است که براساس ماده ۱۸۶ آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی، دولت سیزدهم باید حداکثر تا ۱۵ آذرماه لایحه بودجه سالانه کل کشور را به پارلمان تسلیم کند، به همین دلیل تغییرات اساسی در بودجه ۱۴۰۱ کار سخت و دشواری خواهد بود.

رئیس‌جمهور گفته است: «شاید طبق قانون دستگاه‌هایی اجازه تعیین حقوق برای شرکت‌ها یا افراد دولتی را داشته باشند که باید در این زمینه نیز اقداماتی انجام شود. پرداخت‌های نابرابر و غیرمتعارف در دولت و شرکت‌های دولتی قابل‌تحمل نیست».

از دیگرسو، رئیس هیئت تحقیق‌وتفحص از حقوق‌های نجومی نیز روز گذشته در یک برنامه تلویزیونی اعلام کرد که مجموع دریافتی اعم از حقوق پایه، مزایا، دریافتی‌های مستمر و غیرمستمر، پاداش، کارت هدیه و... کارکنان دولت حتی وزرا و نمایندگان مجلس نباید بیش از ۳۵ میلیون تومان باشد.

مالک شریعتی گفته هیچ‌کس قائل به تساوی در حقوق و دستمزد نیست ولی تبعیض‌ها مردم را آزار می‌دهد، او حتی اعلام کرده که سقف دریافتی پزشکان ماهانه باید زیر صد میلیون تومان باشد.

نجومی یا غیرمتعارف

نکته دیگر در مورد مدیران نجومی‌بگیر در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این است که هرچند آن مدیران برکنار شده و به گفته خبرگزاری فارس اسناد تخلف آنها با تأکید شخص وزیر به سازمان بازرسی کل کشور داده شده است، اما معاون امور اقتصادی این وزارتخانه از برخی از آن حقوق‌ها به‌عنوان «پرداختی‌هایی قانونی اما غیرمتعارف و غیرمنصفانه» نام برده است. به گزارش ایرنا، احمد خانی‌نوذری گفته است: «بخشی از پرداختی‌ها که غیرقانونی بوده و به مراجع قانونی و نظارتی منعکس شده است، باید برگردانده و دریافت‌کنندگان آن هم تنبیه شوند. برای آن پرداختی‌هایی که قانونی اما غیرمتعارف و غیرمنصفانه بوده است، باید موانع قانونی رفع شود».

او همچنین درباره فیش‌های حقوقی که در فضای مجازی منتشر شده است، گفت: «فیش نیست بلکه گزارشی از مجموع دریافتی‌هایی است که مجموعه‌های نظارتی و وزارت رفاه برای ورود به وضعیت پرداختی‌ها به دست آورده و در اختیار نهادهای نظارتی قرار داده‌اند؛ بنابراین به این معنا نیست که افراد در هر ماه این مبلغ را دریافت می‌کردند بلکه به‌طور میانگین کمتر از این مبلغ بوده است. این مجموعه‌گزارش‌ها، مجموع پرداختی‌ها در چندماه شامل پاداش‌های عملکردی بوده که طبیعتا خارج از عرف و غیرمجاز بوده است».

احمد خانی‌نوذری، افزود: «با واقعیت جدی مواجهیم که بخشی به خاطر خلأهای قانونی پرداخت‌های غیرمتعارف در برخی سطوح وجود دارد؛ ممکن است میانگین در هر ماه ۴۰ تا ۶۰ میلیون تومان پرداخت شود که بخشی از آن غیرقانونی است که باید با آن برخورد شود ولی خلأ قانونی در این زمینه داریم که باید فکر جدی شود».

او هرچند گفته که جابه‌جایی‌های افراد فقط به‌خاطر حقوق‌های نجومی نبوده است، بلکه به‌دلایلی مدیریتی بوده اما از رصد تیم‌های نظارتی و بازرسی ویژه خبر داده و گفته است: «تا یک ماه آینده بررسی‌ها کامل می‌شود و گزارش شفاف درخصوص پرداختی‌ها به مردم ارائه کنیم ضمن اینکه اولین مصوبه وزیر کار به تمام صندوق‌ها و شرکت‌های زیرمجموعه این وزارتخانه این بود که حقوق‌های پرداختی را اعلام کنند. اکنون بعضی از پرداختی‌ها در قالب سکه، کارت هدیه و بودجه‌های محرمانه است که همه اینها باید احصا شود، ازاین‌رو وزیر تعاون در هفته گذشته به همه شرکت‌ها و صندوق‌های تابعه زیر نظر این وزارتخانه اعلام کردند که هرگونه بودجه‌های محرمانه، سکه و کارت هدیه و سایر ردیف‌ها ممنوع است برای اینکه ضابطه‌مندی و انصاف را به حقوق‌ها برگردانیم و پرداختی‌ها را ساماندهی کنیم».

معاون وزیر همچنین اعلام کرد: «طبق ماده ۸۴، پرداختی‌ها ۱۰ برابر حداقل است که ناخالص آن حدود ۳۳ میلیون تومان می‌شود و در قانون این تنها برای مدیرعامل، اعضای هیئت‌مدیره و هیئت عامل است و برای مدیران سطوح پایین‌تر نیست».

حقوق نجومی در وزارت نفت

بحث دریافت حقوق‌های نجومی که در وزارت نفت نیز رخ داده بود حتی به شکایت از منتشرکنندگان آن رسید. چندی پیش بود که صداوسیما اعلام کرد اسناد محرمانه‌ای از حقوق و مزایای ۳۲ میلیون تومانی رئیس‌دفتر وزیر نفت منتشر شده است. بعد از آن این وزارتخانه علیه دو خبرنگار و یک کانال تلگرامی که این فیش حقوقی را منتشر کرده بودند، به دادسرای فرهنگ و رسانه شکایت کرد که موضوع آن انتشار اسناد محرمانه دولتی بود، هرچند درنهایت این شکایت رد شد برای خبرنگاران و کانال تلگرامی قرار منع تعقیب صادر شد. به گزارش فارس، در بخشی از قرار منع تعقیب صادرشده ازسوی بازپرس شعبه چهارم دادسرای فرهنگ و رسانه عنوان شده است: «بازپرسی بر این عقیده استوار است که افشای اسناد و مدارک مورد ادعای شاکی که همانا موضوع نامه شماره ۳۶۴۰ دبیرخانه وزارت نفت و جدول محاسبه حقوق و مزایای مدیرکل دفتر وزارتی وزارت نفت آقای پیام کهتری انور می‌باشد نه‌تنها مغایر با مصالح ساخت اداری آن وزارتخانه نیست، بلکه در راستای هم‌افزایی رسانه‌ها با نهادهای دولتی و حاکمیتی برای پیشبرد اهداف و مصالح عالیه نظام مقدس مردم‌سالاری جمهوری اسلامی ایران بازتعریف می‌گردد».

حالا که ابراهیم رئیسی، باز هم از کلمه «باید» برای خاتمه دریافت حقوق‌های نجومی استفاده کرده است، باید دید این روند در ماه‌های آینده به چه صورت دنبال خواهد شد و خاطره سال‌های نیمه دهه ۹۰ تکرار خواهد شد یا خیر.

خبر

مقام معظم رهبری تأکید کردند:

مشکل‌گشایی در همه مسائل با همت بلند، خردمندی، درست‌اندیشی و توکل به خدا

● **پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری:** حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در پیامی با تبریک هفته بسیج، «همت بلند، خردمندی، درست‌اندیشی و توکل به خدا» را ابزارهای تجربه‌شده برای غلبه بر مشکلات کشور دانستند. متن پیام مقام معظم رهبری به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

هفته بسیج بر همگان مبارک باد، بویژه بر رویش‌های تازه و با طراوت بسیجی که همچنان مانند نسل پیش از خود، فرزندان محبوبِ امام راحل عظیم‌الشأن‌اند. عزیزان! قدرشناس جایگاه خود باشید و بدانید که با همّت بلند و در پرتو خردمندی و درست‌اندیشی، و با اعتماد و توکّل به خداوند دانا و توانا، می‌توانید در همه مسائل عمومی کشور و ملت، اثربخش و مشکل‌گشا باشید. این تجربه چند دهه ملت ایران است.

آیت‌الله جوادی‌آملی:

برنامه طنز، جامعه گرسنه را شاداب نمی‌کند

● **پایگاه اطلاع‌رسانی اسرا:** آیت‌الله جوادی‌آملی در دیدار پیمان جبلی، رئیس سازمان صداوسیما گفت: باید بدانیم جامعه گرسنه با برنامه طنز شاداب نمی‌شود، گرچه وجود این برنامه‌ها مانعی ندارد، لکن اگر مشکلات اساسی مردم برطرف شود، قطعا امید و نشاط به جامعه بازخواهد گشت. این مرجع معزز تقلید در این دیدار با اشاره به ایثارگری و خون‌های پاک شهدا برای حفظ اسلام و کشور بیان کرد: شهدا زنده‌اند و از خدا روزی دریافت می‌کنند و با خدا گفت‌وگو دارند، همان‌طور که ما با خدا حرف می‌زنیم، در سوره مبارکه «آل‌عمران» دارد که شهدا به خداوند عرضه می‌دارند «یَسْتَبْشِرُونَ»؛ یعنی مرتب از خدا سؤال می‌کنند مژده بدهید، شیعیان ما در کجا هستند؟ در چه راهی هستند؟ تا کجا هستند؟ «وَ یَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِینَ لَمْ یَلْحَقُوا بِهِم»؛ اینها که راهی راه ما هستند، الان کجایند؟ کمک هم می‌خواهند؟ «الَّذِینَ لَمْ یَلْحَقُوا»؛ یعنی کسانی که راه افتاده‌اند اما هنوز نرسیدند. وی خاطرنشان کرد: این مملکت به لطف الهی همه چیز دارد، با وجود این همه منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی فراوانی که در این کشور وجود دارد، مردم را کمیته امدادی اداره‌کردن ننگ است! استاد عالی حوزه علمیه قم همچنین با اشاره به رسالت‌های فرهنگی و اجتماعی سازمان صداوسیما، خواستار توجه هرچه بیشتر برنامه‌های این سازمان به انعکاس مشکلات مردم و دغدغه‌های آنان، به‌ویژه در بخش معیشت و اقتصاد شد. این مرجع معزز تقلید در پایان افزود: باید مردم را با عمل امیدوار کنید نه با حرف؛ حرف بی‌عمل نتیجه‌ای جز ناامیدی جامعه در پی ندارد. هرگز بدون تفکر، کاری را شروع نکنید و همواره خود را امانت‌دار مردم بدانید.

انتشار کتاب جدید حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی

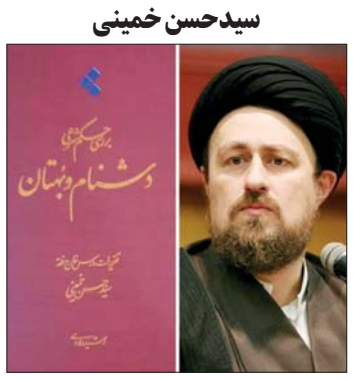

● **شرق:** کتاب «بررسی حکم شرعی دشنام و بهتان» اثر تازه حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی توسط مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)) منتشر شد. در مقدمه این کتاب آمده است: «در سال‌های گذشته مباحثی در سلسله درس‌های خارج فقه مطرح شده که آنها با عنوان کلی‌تر «فقه هنر» دسته‌بندی شده که مباحث غنا، مجسمه‌سازی، نقاشی و حفظ آثار تاریخی و برخی از احکام فیلم، شعر، رقص و اختلاط زن و مرد و تشبّه ایشان به یکدیگر را در بر می‌گرفت. در این مباحث البته «مدح من یستحقّ المدح» و «دمّ من لا یستحق الذمّ» را هم به‌طور مفصل بحث شده است. ناگفته پیداست که در بحث هنر، مسئله طنز نیز مطرح است که پیوندی با بحث استهزاء دارد، به همین جهت به بررسی فقهی حکم استهزاء نیز مبادرت شده است. و از همین‌جا بود که بحث سبّ و دشنام نیز مورد توجّه قرار گرفت؛ چراکه در مواردی این رذیله اخلاقی می‌تواند دیوار به دیوار بحث استهزاء باشد. و آنچه اکنون در دست شماست متن درس‌های مرتبط با موضوع دشنام است و امیدوارم که مباحث دیگر «فقه هنر» - که تدریس آنها پایان یافته و صوت آنها موجود می‌باشد - نیز در آینده تنظیم شود و به‌صورت مکتوب تقدیم اهل فن قرار گیرد.